

تفاوت نسلی نگرش به ارزش‌های ازدواج و عوامل موثر در آن در زنان ساکن شهر یاسوج

سعیده گروسی*، فاطمه یاری نسب**

چکیده

ازدواج در جامعه‌ی ما بنیان خانواده را تشکیل می‌دهد، اما همیشه ازدواج در بین نسل‌های مختلف معانی متفاوتی داشته و نگرش به آن در حال تغییر بوده است. هدف تحقیق حاضر شناخت تفاوت نسلی بین دختران و مادران در نگرش به ارزش‌های ازدواج و عوامل مؤثر در آن در شهر یاسوج است. روش انجام پژوهش پیمایشی و ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه است که ۴۰۰ نفر پاسخ‌گو (۲۰۰ نفر دختر و ۲۰۰ نفر مادران آنها) آن را تکمیل کردند. شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی انجام شد. یافته‌ها نشان داد، تفاوت معناداری بین گروه مادران و دختران در متغیر ارزش‌های ازدواج وجود دارد. از میان عوامل مستقل اشاره شده، ارتباط معناداری بین سن، تحصیلات، فردگرایی، دینداری، میزان استفاده از وسایل ارتباطی، نحوه‌ی گذران اوقات فراغت، نگرش جنسیتی و اعتماد اجتماعی با ارزش ازدواج وجود داشت. در مجموع، یافته‌ها حاکی است که بعضی از ارزش‌های ازدواج تغییر کرده ولی همچنان ازدواج در شهر یاسوج ارزشمند است و از طرفی بعضی از تغییرات و تفاوت‌های نسلی نیز باعث شده است که ازدواج عقلانی‌تری انجام شود.

واژگان کلیدی

ارزش ازدواج، نسل، مادران، دختران.

*. استاد جامعه‌شناسی دانشگاه شهید باهنر کرمان (sgarousi@uk.ac.ir)

** کارشناس ارشد مطالعات زنان دانشگاه شهید باهنر کرمان (نویسنده‌ی مسئول) (Yarinasab.f@gmail.com)

۱- مقدمه و بیان مسئله

ارزش‌های اجتماعی را مدل‌های کلی رفتار، احکام جمعی و هنجارهای کرداری که مورد پذیرش عمومی و خواست جامعه قرار گرفته‌اند، تشکیل می‌دهند (بیرو، ۱۳۸۰: ۳۸۶). ارزش‌ها و نگرش‌های متفاوت در جوامع با گذشت زمان دگرگون می‌شوند. نسل‌های بعدی نه تنها بسیاری از ارزش‌هایی که نسل‌های قبلی در گذشته به آن توجه و تأکید می‌کردند، دنبال نمی‌کنند، بلکه ارزش‌های جدیدی جایگزین آنها می‌کنند (اینگلهارت، ۱۳۸۲). بخش اعظمی از ارزش‌های جامعه همان ارزش‌های خانواده است. ارزش‌های خانواده کیفیت‌هایی است که هسته‌ی خانواده را تعریف و پیوند مادام‌العمر بین زن و مرد و سایر اعضای خانواده را تضمین می‌کنند. به سخن دیگر، ارزش‌های خانواده -که اموری بسیار مهم‌اند- بنیان خانواده را محکم می‌کنند. این متغیرها و ارزش‌ها عبارت‌اند از: ازدواج، محبت، تک‌همسری، وظیفه‌شناسی، پاکدامنی، پرهیزکاری، ایمان به خدا و سخت‌کوشی و فرزندآوری» (سرایی و اجاقلو، ۱۳۹۲؛ به نقل از کولین، ۱۹۹).

دگرگونی خانواده‌ی ایرانی نیز در نیم قرن اخیر آرام و کند، اما مستمر و قاطع بوده است. در حال حاضر، در جامعه‌ی ایران نسلی که تجربه‌ی جنگ و انقلاب را دارد، در کنار نسلی زندگی می‌کند که این وقایع را تجربه نکرده است، با توجه به اینکه پس از پایان جنگ تحمیلی و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای، جامعه‌ی ایرانی با تحولات پرشتابی در تمامی عرصه‌های زندگی همچون فرایند نوسازی، رشد وسایل ارتباط جمعی، فرایند جهانی‌سازی و عوامل دیگری مواجه شد، تغییرات فرهنگی و تحولات اجتماعی‌ای در جامعه پدید آمد که به نوبه‌ی خود در بسیاری از الگوهای رفتاری، ارزش‌های مربوط به خانواده و هنجارهای موجود در جامعه تأثیرگذار بود (شیخی، ۱۳۸۲: ۵۳). یکی از این الگوهای رفتاری، الگوی ازدواج است. افزایش سن ازدواج، کاهش ثبات آن، ترجیح‌های نو در همسرگزینی، حق انتخاب آزاد همسر، آزادی عمل زنان در ازدواج، تصمیم‌گیری در خانواده، عادی شدن طلاق و موارد مشابه از جمله تغییرات ازدواج و خانواده محسوب می‌شود (جبرائیلی و همکاران، ۱۳۹۲؛ دلخوش، ۱۳۹۲؛ مهاجرانی، ۱۳۸۹؛ سرایی، ۱۳۸۵).

به موازات تحولات رفتار در خانواده، هنجارها، ارزش‌ها، باورها و عقاید افراد درباره‌ی ازدواج و خانواده نیز تغییر می‌یابد و مجموعه‌ای از ارزش‌های نوین خانوادگی شکل می‌گیرد، این تغییر ارزش‌ها و نگرش‌های مربوط به ازدواج را می‌توان با تئوری‌های مختلفی بحث کرد. بر اساس نظر اینگلهارت، گرایش‌های جدید تا حدود زیادی در میان نسل‌های جوان تر نفوذ می‌کند، با جانشین شدن نسل‌های جوان تر به جای نسل‌های بزرگتر، جهان‌بینی متداول در این جوامع دگرگون می‌شود و در نگرش‌ها و ارزش‌های مربوط به ازدواج و تشکیل خانواده نیز تغییرات اساسی اتفاق

می‌افتد (اینگلهارت، ۱۳۸۳: ۷۶). گود^۱ در تئوری نوگرایی، افزایش فرصت‌های تحصیلی، نوع شغل و شهرنشینی را مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در الگوی ازدواج معرفی می‌کند. ون دکا^۲ نیز تأثیر افزایش میزان تحصیلات زنان به همراه استقلال اقتصادی آنها را مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در تحولات ازدواج می‌داند (میرسندسی و محمدی، ۱۳۹۰: ۱۸۱). زنان در ایران بیش از گذشته با ورود به دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، سرمایه‌ی فرهنگی خود را افزایش داده و تنها راه ارتقاء سرمایه‌ی فرهنگی خود را بالابردن سطح تحصیلات تلقی کرده‌اند. این امر خود باعث افزایش سن ازدواج و به تبع آن باروری پایین در جامعه‌ی کنونی ایران شده است به طوری که به باور برخی صاحب‌نظران، «باروری و فرزند آوری در ایران به زیر سطح جانشینی رسیده است» (سرای، ۱۳۸۵: ۵۷).

شکاف نسلی بین نسل دیروز یعنی والدین و نسل امروز یعنی فرزندان به مثابه یکی از مهم‌ترین مسائلی است که در حوزه‌ی آسیب‌شناسی خانواده وجود دارد. مقایسه‌ی نگرش‌ها و ارزش‌های مرتبط با ازدواج نسل مادران با نسل دختران در ایران با توجه به تغییرات رفتاری و نگرشی خانواده در چند دهه‌ی اخیر مهم است، زیرا نسل‌ها به طور متفاوتی در معرض این تغییرات بوده و بالطبع تغییرات اجتماعی را به گونه‌ای متفاوت درک، باور و عملیاتی کرده‌اند. درک تفاوت‌های نسلی می‌تواند به شناخت تغییرات رخ داده در خانواده و همچنین پیش‌بینی پتانسیل موجود برای تغییرات آینده‌ی خانواده کمک کند. شهر یاسوج نیز گرچه بافتی سنتی و عشایری دارد و باورها و اعتقادات مذهبی همیشه غالب بوده است، اما بر اساس اطلاعات مرکز آمار ایران در چند سال گذشته، در این شهر نیز وقایعی همچون افزایش رشد منفی ۰/۳ درصدی فرزندآوری، کاهش ۱۲/۸ درصدی ازدواج، روند رو به رشد طلاق که در چند سال گذشته سیر صعودی داشته است و همچنین افزایش سن ازدواج در بین جوانان که پیوسته در حال بالا رفتن است، رخ داده است. این آمارها نشان می‌دهد، باوجود تداوم نقش عناصر فرهنگی گذشته و تأثیر پایدار ارزش‌های مذهبی در نگرش‌ها و رفتارهای خانوادگی، طی سالیان اخیر نهاد ازدواج و خانواده تغییرات محسوسی را تجربه کرده است و شکاف نسلی بین مادران و دختران در نگرش‌ها و ایده‌آل‌های دو نسل به وجود آمده است. بنابراین هدف کلی این مقاله شناخت تفاوت دیدگاه دو نسل از زنان ساکن شهر یاسوج در مورد ارزش ازدواج و تعیین رابطه‌ی هریک از متغیرهای مستقل با ارزش ازدواج است.

1. Goode (1983).

2. Vandekaa .

۲- پیشینه‌ی پژوهش

سرایي و واجقلو، در پژوهشی در شهر زنجان نشان دادند که ارزش ازدواج در بین نسل‌های مطالعه شده معنی‌دار است. دینداری رابطه‌ی مثبت و مستقیم و تجربه‌ی جهانی شدن رابطه‌ی منفی و معکوس بر ارزش ازدواج داشته‌اند (سرایي واجقلو، ۱۳۹۲).

براساس یافته‌های کاظمی بین نگرش مادران و دختران آنها شکاف بسیاری وجود دارد. نگرش مادران نسبت به سن مطلوب ازدواج، چگونگی انتخاب همسر، جدایی و طلاق، مطلوبیت ازدواج، قدرت تصمیم‌گیری در خانواده، ارتباطات خانوادگی و مطلوبیت فرزندآوری، سنتی است، ولی دختران نسبت به این شاخص‌ها نگرش مدرن دارند. همچنین آرمان‌گرایی توسعه‌ای در این شکاف نگرشی بین مادران و دختران تأثیر مستقیم و مثبت دارد و با افزایش آرمان‌گرایی توسعه‌ای، نگرش نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده در بین افراد، مدرن‌تر می‌شود (کاظمی، ۱۳۸۹).

زارع و اصل روستا در بررسی‌های خود در شهر هشتگرد نشان می‌دهند که تفاوت معناداری بین ارزش‌های اجتماعی دو نسل درباره‌ی انتخاب همسر از قبیل سن مناسب برای ازدواج پسر و دختر، ارجحیت زیبایی یا نجابت همسر، ارجحیت تحصیلات بالا یا اصالت خانوادگی همسر، معاشرت قبل از ازدواج دختر و پسر و ازدواج فامیلی وجود دارد (زارع و اصل روستا، ۱۳۸۹).

نتایج ندوشن و همکاران در شهر یزد، بیانگر اجماع و توافق نظر هر دو نسل در مورد سن مناسب ازدواج و همچنین مخالفت با چندهمسری مردان است که ثبات زیاد این ابعاد نگرشی را نشان می‌دهد. از سوی دیگر، تفاوت‌های بین‌نسلی معناداری در ایده‌ها و نگرش‌های دختران و مادران در ابعادی نظیر زمان‌بندی فرزند اول، ازدواج خویشاوندی، نحوه‌ی انتخاب همسر و مجرد ماندن وجود دارد و دختران ایده‌ها و نگرش‌های مدرن‌تری در این ابعاد دارند (عسکری و ندوشن و همکاران، ۱۳۸۸).

سپهری و باقریان در تحقیقی با عنوان «تفاوت نسل و جنس در انتخاب همسر» - که از طریق مطالعات مجازی انجام شده - نشان دادند که معیار دختران نسبت به مادران درباره‌ی توجه به عشق، ستایش شدن و روابط قبل از ازدواج تفاوت وجود داشت، به عبارتی شکاف بین نسل جوانان و پدر و مادر در انتخاب همسر وجود دارد (Sepehri & Bagherian, 2013).

رازقی و فلاح‌نژاد، با مطالعه‌ای در هشتگرد نشان می‌دهند که بیشترین تفاوت نسلی مربوط به معاشرت دختر و پسر قبل از ازدواج و سپس ازدواج با اقوام نزدیک است و متغیر نسل، جنس، نوع رسانه و تقید به مناسک دینی رابطه معنی‌داری بر ارزش ازدواج دارد (رازقی نصرآباد و فلاح‌نژاد، ۱۳۹۶).

شارما و همکاران در تحقیقی تفاوت‌های بین نسلی در مورد مفهوم ازدواج در میان زنان برهمایی (دختران و مادران) بررسی کرده و نشان می‌دهد که مفهوم ازدواج بین این دو نسل متفاوت است (sharma, vaid, kesar, 2005). کمپبل و رایت در یک مطالعه که در خصوص باورها و اعمال ازدواج در ایالات متحده انجام شده است، نتیجه گرفتند که اعتقادات درباره‌ی ازدواج در طول زمان نسبتاً ثابت مانده است، اما شیوه‌های ازدواج مانند مراسم، نقش‌های جنسیتی و ارزش‌ها تغییر کرده‌اند (Campbell & Wright, 2010). کوپیسومبیگ و هالمن تأثیر گسترش و همگانی شدن تحصیلات - که یکی از ره‌آوردهای مهم توسعه است - را روی ازدواج بررسی کرده و نشان داده‌اند که تحصیلات افراد در سن ازدواج، انتظار از روابط زناشویی و چگونگی انتخاب همسر تأثیر داشته است. نوسازی از طریق گسترش تحصیلات عمومی و فراهم کردن امکان حضور در فعالیت‌های بیرون از خانه، موقعیت زنان را بهبود بخشیده است. موقعیت بهبودیافته زنان با افزایش سن ازدواج، کاهش فاصله‌ی سنی بین زوجین، افزایش قدرت تصمیم‌گیری در خانواده و کاهش باروری همراه بوده است (Cuismbing & Hallman, 2003). نتایج تحقیق پروین، عثمان و آفتاب نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی بین موقعیت اجتماعی، اقتصادی، ساختار خانواده و سن جوان با شکاف نسلی، ارتباط بین والدین و بچه‌ها، نظریات جوانان و تأثیر چنین روابطی در زندگی حال و آینده جوانان بود (Perveen, Usman & aftab, 2013). اسمیت در تحقیقی با عنوان «مروری بر شکاف نسلی» نشان داد که جوانان و والدینشان هنوز در مورد طیف وسیعی از مسائل اعم از مذهب، سیاست، سکس و هنجارهای فرهنگی با یکدیگر متفاوت‌اند (Smith, 2004). چاو و همکاران در مطالعه‌ای درباره‌ی ارزش‌ها و نگرش‌های ازدواج در شانگهای نشان دادند، سن، جنس، مکان جغرافیایی و موقعیت اقتصادی - اجتماعی از عوامل مؤثر در نگرش‌های مدرن به ازدواج هستند (Chow & lum, 2008).

با بررسی تحقیقات انجام شده درباره‌ی نگرش و ارزش ازدواج می‌توان به نتایج مشترکی رسید که توجه به آنها می‌تواند برای تحقیق حاضر مفید باشد؛ اگرچه تحقیقات در حوزه‌ی نگرش و تمایلات به ازدواج در سال‌های اخیر افزایش یافته است، اما درباره‌ی تفاوت ارزش‌های ازدواج در بین دو نسل تحقیقات چندانی انجام نشده است و کمتر به تبیین تغییرات پرداخته‌اند، جز سه مورد که سرایی و اوجاقلو در زنجان انجام داده‌اند، رازقی و فلاح نژاد در هشتگرد و کاظمی در تبریز که باز هر کدام تنها دو یا سه مورد از عوامل مستقل را بررسی کرده‌اند، در تحقیقات خارجی نیز بیشتر تحصیلات و شغل را از عوامل تأثیرگذار در ازدواج دانسته‌اند، ولیکن در تحقیق حاضر سعی شده است متغیرهای وسیع‌تری سنجدیده شود که می‌تواند نتایج کاربردی‌تری را ارائه دهد.

۳- مبانی و چارچوب نظری

اینگلهارت از متفکرین اجتماعی است که در نظریه‌ی خود یعنی دگرگونی ارزش‌ها به بحث شکاف نسلی توجه کرده است. او معتقد است، اولویت‌های ارزش فرد متأثر از محیط اقتصادی-اجتماعی که فرد در طول سال‌های قبل از بلوغ در آن به سر می‌برد، شکل می‌گیرد و با تغییر شرایط محیط اقتصادی-اجتماعی اولویت‌های ارزشی نسل جوان-که در دوران قبل از بلوغ خود قرار دارد- از نسل پیشین متفاوت خواهد شد (اینگلهارت، ۱۳۸۳: ۷۶). با توجه به نظریه اینگلهارت، توسعه‌ی اقتصادی و گسترش رسانه‌های جمعی در ایران در سال‌های اخیر تغییراتی را در اولویت ارزشی افراد و گروه‌ها به وجود آورده است. وی برای تبیین دگرگونی ارزشی و نسلی دو فرضیه‌ی پیش‌بینی‌کننده طراحی می‌کند: فرضیه کمیابی^۱ و اجتماعی شدن^۲. این دو فرضیه بر این دلالت دارند که در نتیجه‌ی رونق اقتصادی-که از سال ۱۹۴۵ در کشورهای غربی به وجود آمد- نسل جوانان برای دلالت امنیت اقتصادی و جانی اهمیت کمتری قائل هستند تا گروه‌های مسن‌تری که بسیار پیش از آنها طعم ناامنی اقتصادی را چشیده‌اند. این مسئله نیز مهم است که برخلاف افراد مسن‌تر نسل جوان بیشتر تمایل دارند، به نیازهای غیرمادی مانند کیفیت زندگی و درک عمومی اولویت بدهند. از دید اینگلهارت، فرضیه‌ی کمیابی به دگرگونی‌های کوتاه‌مدت و فرضیه‌ی اجتماعی شدن در آثار بلندمدت نسلی اشاره دارد. این دو فرضیه با هم مجموعه‌ی به هم پیوسته‌ای از پیش‌بینی‌های مربوط به دگرگونی ارزش‌ها را پدید می‌آورند (اینگلهارت و آبرامسون، ۱۳۸۵: ۱). نتیجه این وضعیت، تفکیک نسل‌های مختلف تاریخی از حیث نوع ارزش‌گذاری بر ازدواج است. برای نمونه، نسل متولدین دوره‌ی انقلاب و جنگ-با توجه به تجارب تاریخی از جمله انقلاب و جنگ و تغییر ساختارهای اقتصادی-نوع نگاهشان به ازدواج و اهمیت آن در زندگی متفاوت از نسل‌های بعد از جنگ و انقلاب است. نسل‌های بعد از جنگ در ایران بیشتر طالب کیفیت زندگی و به نظر گریزان از برخی ارزش‌های خانواده همچون تمایل به ازدواج و به دنبال آن فرزندآوری هستند و هرچه به دوره‌های اخیر نزدیک می‌شویم شدت تأثیر جهانی شدن بیشتر شده و ازدواج معنای سنتی و قدیمی خود را از دست داده و معنای جدیدی در بین این نسل پیدا می‌کند (سرایبی و اجاقلو، ۱۳۹۲: ۲۵).

درباره‌ی مفهوم نسل‌ها، مانهایم از جمله اولین نظریه‌پردازانی است که مفهوم نسل را وضع کرد. طبق دیدگاه مانهایم، نسل یک موجودیت اجتماعی و نه یک ضرورت بیولوژیکی است و سه بعد

1. Scarcity hypothesis.

2. Socialization hypothesis.

جایگاه نسلی، نسل به‌مثابه یک واقعیت و واحد نسلی دارد. جایگاه نسلی، تعیین‌کننده‌ی حوزه‌ی کسب تجربه است و با افرادی که در یک دوره‌ی زمانی و فضای اجتماعی - فرهنگی یکسان متولد شده‌اند و کسانی که مقدار مشترکی از وقایع تاریخی را تجربه می‌کنند، مرتبط است. واحد نسلی به معنای گروه سنی - زیستی در نظر گرفته شده و چندین ویژگی دارد: محل مشترک در جریان اجتماعی و تاریخی؛ سرنوشت مشترک و علاقه‌هایی براساس طبقه اجتماعی، اقتصادی و همچنین هویت واحد براساس تجربه‌ی مشترک. بنابراین واحد نسلی همچون جمع شدن افراد به لحاظ سنی مشابه نیست، بلکه واحد اجتماعی پیوند با یکدیگر از طریق موقعیت ساختاری مشترک، سیستم ظرفیتی مشترک، خودآگاهی همچون یک واحد اجرایی و کنش متقابل اجتماعی و انسجام در میان اعضاست (چیت‌ساز قمی، ۱۳۸۶: ۸۸ و ۸۹؛ آزادارمکی و غفاری، ۱۳۸۳: ۲۹ و ۳۰). در این میان، مانهایم بر دگرگونی نسلی تأکید ویژه‌ای دارد. آنچه اختلاف واحدهای نسلی را افزایش می‌دهد، دگرگونی‌های سریعی است که در حوزه‌های اجتماعی - سیاسی و فکری رخ می‌دهند. بنابراین از نظر مانهایم، دگرگونی و افزایش‌ستیزی بین نسل‌ها رابطه‌ای متقابل دارند، بدین معنی که دگرگونی به تشدید ستیزه بین نسل‌ها می‌انجامد (لاور، ۱۳۷۳: ۱۹۰).

صنعتی شدن و مدرنیزه شدن دو مفهوم کلیدی در تغییرات اجتماعی از جمله الگوهای تشکیل خانواده است. صنعتی شدن به جامعه‌ی صنعتی و مدرنیزاسیون به جامعه‌ی مدرن منجر شدند. بعد مهم صنعتی شدن اهمیت تسلط فرهنگی است که ارزش‌ها و هنجارها در آن مبتنی بر شکل اجتماعی سرمایه‌داری رشد یافته‌اند. مدرنیزاسیون نیز تنها شامل متغیرهای بیرونی نمی‌شود، بلکه شامل انتقال نگرش‌ها، عقاید و رفتارها - که اجزای انتقال فرهنگی است - و در نتیجه باعث ارزش‌های پست‌مدرن در جوامع پیشرفته‌ی صنعتی می‌شود (خالقی فر، ۱۳۸۱: ۱۰۳ و ۱۰۴). این نظریه با تأکید بر تغییرات ساختی و گذار از اقتصاد کشاورزی به اقتصاد صنعتی، تغییر الگوهای ازدواج و باروری را به تغییرات ساختاری در زندگی اجتماعی به جهت ظهور نیروهای جدید اجتماعی و سه جریان صنعتی شدن، شهرنشینی و آموزش همگانی مرتبط می‌کند. براین اساس تحولات ازدواج و خانواده به عنوان سازگاری نظام‌مند با تغییر در شرایط نظام اجتماعی تغییر یافته، در نظر گرفته می‌شود (عباسی شوازی و صادقی، ۱۳۸۴: ۲۷).

گیدنز^۱ به فرایند جهانی شدن - وضعیتی که در آن حوادث و وقایع در زمان کوتاه، در مکان‌های دور دست تأثیر می‌گذارند - به عنوان یکی از عناصر تأثیرگذار در نهاد خانواده [در عصر جدید] توجه می‌کند. با گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی نوین - که از دگرگونی‌های نظام‌های ارتباطی داخل و خارج از کشور ناشی می‌شود، آشنایی افراد جامعه با فرهنگ و آداب و رسوم سایر ملل امکان‌پذیر شده و ره‌آورد این دگرگونی‌ها تغییرات نگرشی افراد نسبت به موقعیتشان در جامعه و در ارتباط با جامعه‌ی جهانی است. از دیدگاه گیدنز، یکی از مهم‌ترین تأثیرهای صنعت‌گرایی دگرگونی در فناوری‌های ارتباطات بوده است که این رسانه‌ها نقشی عمده در تکمیل جداسازی زمان و مکان بازی کرده‌اند (گیدنز، ۱۳۷۹: ۴۷). رایزمن نیز تفاوت‌های نسلی ارزش‌ها را متأثر از رسانه‌ها می‌داند. از نظر او امروزه رسانه‌های جمعی توسعه پیدا کرده و موجب از بین رفتن مرزهای فیزیکی جوامع شده‌اند. استفاده از رسانه‌های جمعی در این دنیای جهانی شده عامل اختلاف و تفاوت نسلی است. در این دوره، جوانان با تأثیرپذیری از رسانه‌ها ارزش‌های پیشین خود را کنار گذاشته و ارزش‌های جدید را جایگزین آنها می‌کنند (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۵۳).

دگرگونی‌های این گستره از روابط اجتماعی را، بدون نگرش به نقش زنان و دختران - بسان یکی از سازه‌های بسیار مهم در این زمینه - نمی‌توان بررسی کرد. از آنجا که ارزش‌ها در جهان امروز و جامعه‌ی ایران جنسیتی شده‌اند، چنین می‌نماید که روند دگرگونی‌های ارزشی نیز به سوی اثرپذیری از جنسیت به پیش می‌رود. از این رو، توجه به ارزش‌ها و نگرش‌های زنان و دختران در گستره‌های گوناگون اجتماعی بسیار مهم شمرده می‌شود (عسکری ندوشن و همکاران، ۱۳۸۸). از این گذشته، دگرگونی‌های ساختاری در آموزش و کار زنان، افزایش توان آنها در زمینه‌های خانوادگی و اجتماعی و رشد اندیشه‌های فمینیستی آنها را به بازنگری در نقش‌ها و هویت‌های سنتی خود و دگرگون‌سازی آن واداشته است. آنها خواستار حقوق برابر در همه‌ی زمینه‌های زندگی و جهان اجتماعی‌اند و با پافشاری بر گزینش فردی، آزادی بیشتری در گزینش همسر خود جست‌وجو می‌کنند (کاظمی، ۱۳۸۹: ۳۰۲).

گیدنز در مباحث خود از سه نوع اعتماد بنیادی، شخصی و انتزاعی نام می‌برد. به گفته‌ی وی، در جوامع مدرن تحت تسلط نظام‌های انتزاعی، اعتماد بسیار مهم است. از نظر وی، نیاز به اعتماد با فاصله‌گیری روابط زمانی و مکانی افراد در ارتباط است (ریترز، ۱۳۷۳: ۷۶۸). از نظر گیدنز اعتماد شیوه‌ی ضروری و اجتناب‌ناپذیر زندگی اجتماعی و از مؤلفه‌های مدرنیت است. طبق نظر گیدنز،

1. Gidenz.

منابع اصلی اعتماد در جوامع سنتی اهمیت خود را در جوامع صنعتی و جدید از دست داده‌اند. گیدنز ارتباط ناب را به اعتماد متقابل منوط می‌داند که رابطه‌ای نزدیک با صمیمیت دارد. برای ایجاد اعتماد، شخص باید هم به دیگری اعتماد کند و هم خودش دست کم در محدوده‌ی رابطه‌ی مدنظر معتمد باشد. گیدنز اعتماد را در جوامع دوره‌ی پیش از مدرن و دوره‌ی مدرن نه تنها متفاوت بلکه در تضاد با یکدیگر می‌داند. در دوره‌ی پیش از مدرن، اعتماد محلی اهمیت زیادی دارد. این امر زمینه‌ی عمومی و جهت‌گیری کلی اعتماد را در این جوامع نشان می‌دهد. در جوامع مدرن، اعتماد بین مردم کاهش یافته و زمینه عمومی و جهت‌گیری کلی اعتماد در آن مبتنی بر روابط اعتماد نظام‌های انتزاعی و تخصصی است که از نظر گیدنز ویژگی از جاکندگی یا بی‌ریشگی در دنیای مدرن دارد (حیدرآبادی، ۱۳۸۹: ۴۹ به نقل از گیدنز، ۱۳۸۴).

مطابق نظریه‌ی اینگلهارت، توسعه‌ی اقتصادی و گسترش رسانه‌های جمعی در ایران در سال‌های اخیر تغییراتی را در اولویت ارزشی افراد و گروه‌ها به وجود آورده است و هرچه به دوره‌های اخیر نزدیک می‌شویم، شدت تأثیر جهانی شدن بیشتر شده و ازدواج معنای سنتی و قدیمی خود را از دست داده و معنای جدیدی در بین این نسل پیدا می‌کند. نتیجه‌ی این وضعیت، تفکیک نسل‌های مختلف تاریخی از حیث نوع ارزش‌گذاری بر ازدواج است. همچنین نظریه‌ی صنعتی شدن و مدرنیته شدن با تأکید بر تغییرات ساختی و گذار از اقتصاد کشاورزی به اقتصاد صنعتی، تغییر الگوهای ازدواج و باروری را به تغییرات ساختاری در زندگی اجتماعی به جهت ظهور نیروهای جدید اجتماعی و سه جریان صنعتی شدن، شهرنشینی و آموزش همگانی مرتبط می‌کند. با توجه به مباحث مطرح شده فرضیه‌های پژوهش عبارت است از:

- به نظر می‌رسد، بین فردگرایی با ارزش ازدواج در بین دو نسل از زنان ساکن شهر یاسوج رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد، بین دینداری با ارزش ازدواج در بین دو نسل از زنان ساکن شهر یاسوج رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد، بین نگرش جنسیتی با ارزش ازدواج در بین دو نسل از زنان ساکن شهر یاسوج رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد، بین استفاده از وسایل ارتباطی با ارزش ازدواج در بین دو نسل از زنان ساکن شهر یاسوج رابطه وجود دارد.
- به نظر می‌رسد، بین اعتماد اجتماعی با ارزش ازدواج در بین دو نسل از زنان ساکن شهر یاسوج رابطه وجود دارد.

- به نظر می‌رسد، بین گذران اوقات فراغت با ارزش ازدواج در بین دو نسل از زنان ساکن شهر یاسوج رابطه وجود دارد.

۴- روش پژوهش

در این پژوهش، از روش پیمایش به عنوان روش اصلی پژوهش و برای انجام تحقیق از پرسشنامه استفاده شده است. جامعه‌ی آماری این پژوهش دو نسل از زنان شهر یاسوج هستند. بر اساس گزارش مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵، جمعیت زنان بالای ۱۸ سال شهر یاسوج، ۶۶۱۰۵ نفر بود که تعداد نمونه در پژوهش حاضر براساس حجم نمونه و بر اساس فرمول کوکران و سطح خطای ۵ درصد تعداد ۳۸۳ نفر تعیین شدند. البته برای اطمینان بیشتر تعداد نمونه ۴۰۰ نفر در نظر گرفته شده است. شیوه‌ی نمونه‌گیری با توجه به ماهیت جامعه‌ی آماری از نوع خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. در شهر یاسوج ۵۰ ناحیه وجود دارد که ۴۰ ناحیه از آن و از هر ناحیه یک بلوک و از هر بلوک ۵ خانه انتخاب شد. به این ترتیب که هر خانه‌ای که دختر مجرد ۲۰ تا ۳۰ سال به عنوان نسل جوان و مادران آنها بین ۴۰ تا ۶۰ سال بودند به عنوان نسل قدیم (براساس طبقه‌بندی نسل‌ها) - که حاضر به مصاحبه و پرکردن پرسشنامه بود- انتخاب می‌شدند. به این ترتیب ۲۰۰ نفر دختر و ۲۰۰ نفر مادران آنها انتخاب شدند.

ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته و استاندارد است که برای مقایسه‌ی تفاوت ارزش‌های ازدواج در دو نسل از زنان در اختیار هر دو گروه قرار داده شده و برای توصیف و تحلیل داده‌ها از جداول یک بعدی توصیفی و جداول دو بعدی تبیینی استفاده شد. برای بررسی تفاوت ارزش‌های ازدواج و عوامل مؤثر در آن در بین دختران و مادران در شهر یاسوج آزمون‌های آماری یو من ویتنی و ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد.

در این پژوهش، متغیر وابسته با بهره‌گیری از طیف (کاملاً موافقم - موافق - تا حدودی - کاملاً مخالفم - مخالف) و در ۱۱ بعد، سن مناسب ازدواج، ضرورت ازدواج، رابطه با جنس مخالف قبل از ازدواج، دایره‌ی انتخاب همسر، توجه به رسوم، چندهمسری، قدرت برابر، فرزندآوری، پذیرش طلاق، حفظ تعهد و پایداری و معیارهای انتخاب همسر است که در مجموع شامل ۴۶ سؤال است، سنجیده می‌شود. این پرسشنامه محقق ساخته است که بر پایه‌ی پرسشنامه‌ی ارزش‌های ازدواج دلخموش (۱۳۹۲) ساخته شده است.

برای سنجش دینداری از پرسشنامه دینداری با ۱۷ سوال که ابعاد آن بر اساس مدل گلاک و استارک^۱ است، استفاده شده است (کازمی و فرجی، ۱۳۸۵؛ سرایی واجاقلو، ۹۲) ۱۳ پرسشنامه فردگرایی از پرسشنامه فردگرایی - جمع‌گرایی تریاندیس (Triandis:1998) اخذ شد. پرسشنامه تریاندیس شامل ۱۶ سؤال بود که ضریب آلفای کرونباخ آن ۰/۸۶ دارد.

پرسشنامه نگرش جنسیتی از محققین اخذ شده، مشتمل بر ۱۳ سؤال است. این پرسشنامه از مقاله‌ی دکتر بیژن خواجه‌نوری (۱۳۸۸) با پایایی ۰/۷۳ اخذ شده است. این پرسشنامه با ۱۳ گویه در طیف (کاملاً موافقم - موافق - تا حدودی - مخالف - کاملاً مخالفم) از امتیاز ۱ تا ۵ را به خود اختصاص می‌دهد.

به‌منظور تعیین روایی مقیاس سنجش این تحقیق ابتدا پرسشنامه‌ای با تعدادی گویه تدوین و سپس برای تعیین اعتبار صوری آن تعداد ۷ پرسشنامه به اساتید بخش علوم اجتماعی دانشگاه شهید باهنر کرمان داده شد و پس از جمع‌آوری، گویه‌هایی که در مورد آنها توافق نظر وجود داشت اصلاح و در مجموع ۱۳۹ گویه تأیید شد.

۱۴۱

در این پژوهش، برای سنجش پایایی داده‌ها از روش ثبات درونی استفاده شده است. مهم‌ترین شاخص توافق داخلی آزمون آلفای کرونباخ است. این آزمون همسانی درونی یا ثبات درونی را اندازه می‌گیرد و نشان می‌دهد که سوالات آزمون تا چه اندازه توانایی یا خصیصه‌ی واحدی را اندازه‌گیری می‌کنند. برای انجام‌دادن آزمون پایایی تعداد ۳۰ پرسشنامه مقدماتی تکمیل و با استفاده از نرم‌افزار SPSS ضریب همبستگی درونی گویه‌ها محاسبه شد. در نتیجه تعدادی از گویه‌ها حذف و در آزمون نهایی پرسشنامه‌ی اصلاح شده استفاده شد.

مقدار آلفای کرونباخ در این پژوهش ۰/۸۱ به‌دست‌آمد که نشان می‌دهد، ضریب پایایی به‌دست‌آمده برای شاخص مورد نظر در حد بالاست. به‌این ترتیب می‌توان گفت که ابزار سنجش تحقیق قابلیت اعتماد و پایایی لازم را دارد.

۵- یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، از کل پاسخ‌گویان (۴۰۰ نفر)؛ ۲۰۰ نفر مادر و ۲۰۰ نفر دختر هستند. بیشترین فراوانی رده‌ی سنی در مادران به ترتیب ۸۱/۵٪ در رده‌ی سنی ۴۰ تا ۵۰ سال، ۱۵/۵٪ در رده‌ی سنی ۵۱ تا ۶۰ سال و ۳٪ نیز ۶۰ به بالاست. در رده‌ی سنی دختران ۵۲٪ در رده‌ی سنی ۲۰ تا ۲۵ سال و ۴۸٪ نیز در رده‌ی سنی ۲۶ تا ۳۰ سال قرار دارند.

1. Glock & Stark (1965).

بیشترین فراوانی وضعیت تحصیلات مادران به ترتیب ۳۷/۵٪ ابتدایی، ۲۱٪ راهنمایی، ۱۶٪ متوسطه تا دیپلم، ۱۱/۵٪ لیسانس، ۶٪ فوق لیسانس، ۴٪ فوق دیپلم و ۱٪ دکتری است. بیشترین فراوانی وضعیت تحصیلات دختران به ترتیب ۴۵/۵٪ لیسانس، ۲۱٪ متوسطه و دیپلم، ۱۶٪ فوق دیپلم، ۱۴/۵٪ فوق لیسانس و ۲/۵٪ دکتری است. جدول شماره‌ی (۱) فراوانی و درصد پاسخ‌گویان بر حسب نگرش به ابعاد ارزش‌های ازدواج و دختر و مادر بودن آنها نشان می‌دهد.

جدول (۱) توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب نوع نگرش به ابعاد مختلف ازدواج

ضرورت ازدواج				سن مناسب ازدواج				نوع نگرش
مادر		دختر		مادر		دختر		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۲۴/۵٪	۴۹	۵۱/۵٪	۱۰۳	۴۵٪	۹۰	۸۲/۵٪	۱۶۵	غیرسنی
۷۵/۵٪	۱۵۱	۴۸/۵٪	۹۷	۵۵٪	۱۱۰	۱۷/۵٪	۳۵	سنی
دایره‌ی انتخاب همسر				رابطه‌ی قبل از ازدواج				
۸۷٪	۱۷۴	۸۹٪	۱۷۸	۱۰/۵٪	۲۱	۵۷٪	۱۱۴	غیرسنی
۱۳٪	۲۶	۱۱٪	۲۲	۸۹/۵٪	۱۷۹	۴۳٪	۸۶	سنی
مقبولیت چندهمسری				توجه به رسوم				
۶۴٪	۱۲۸	۷۰٪	۱۴۱	۶۸٪	۱۳۶	۶۲٪	۱۲۵	غیرسنی
۳۶٪	۷۲	۲۹/۵٪	۵۹	۳۲٪	۶۴	۳۷٪	۷۵	سنی
قدرت برابر				پذیرش طلاق				
۵۸/۵٪	۱۱۷	۶۸٪	۱۳۶	۴۴٪	۸۸	۷۳٪	۱۵۱	غیرسنی
۳۲٪	۸۳	۴۱/۵٪	۶۴	۵۶٪	۱۱۲	۵۴٪	۴۹	سنی
فرزندآوری				حفظ تعهد و پایداری				
۴۳/۵٪	۸۷	۵۴/۵٪	۱۰۹	۴٪	۸	۶/۵٪	۱۳	غیرسنی
۵۶/۵٪	۱۱۳	۴۵/۵٪	۹۱	۹۶٪	۱۹۲	۹۳/۵٪	۱۸۷	سنی
-				معیارهای انتخاب همسر				
-				۸۹٪	۱۷۸	۹۴/۵٪	۱۸۹	غیرسنی
-				۱۱٪	۲۲	۵/۵٪	۱۱	سنی

همان‌طور که در جدول شماره‌ی (۱) مشاهده می‌شود، درحالی‌که ۵۵٪ نسل مادران سن پایین را مناسب ازدواج می‌دانستند، ۸۲/۵٪ در نسل دختران با سنی که افراد در آن سن به زندگی زناشویی وارد می‌شود بالاتر باشد، موافق‌تر بودند. در بعد ضرورت ازدواج ۵۱/۵٪ در نسل جوان به اهمیت ازدواج اعتقادی نداشتند، درحالی‌که در نسل مادران ۷۵/۵٪ ازدواج را امری لازم و ضروری می‌دانند. درحالی‌که تنها ۱۰/۵٪ از نسل مادران با دوستی قبل از ازدواج موافق‌اند، در

نسل دختران ۵۷٪ با این روابط موافق‌اند. منظور از مؤلفه‌ی دایره‌ی انتخاب همسر، انتخاب همسر در بین خویشاوندان یا غریبه‌هاست. در این باره تفاوت چندانی در دو نسل مشاهده نشد، هر دو نسل مادر و دختر با ازدواج با اقوام دور و یا غریبه‌ها موافق بودند. در مورد لزوم توجه به رسومی مانند جهیزیه، مهریه، انواع جشن‌ها و مهمانی‌ها برای ازدواج نیز تفاوتی در دو گروه مشاهده نشد و هر دو نسل به حذف برخی رسوم غیر ضروری معتقد بودند. درباره‌ی مؤلفه‌ی مقبولیت چندهمسری نیز بین دو نسل تفاوتی نبود و در دو گروه مخالف گویه‌های آن بودند. در خصوص طلاق، ۷۳٪ نسل دختران با گویه‌های آن موافق بودند در حالی که ۵۶٪ مادران همچنان به این اصل پای‌بندند که طلاق امری منفور است و نگاهی منفی به آن دارند. در بعد قدرت برابر نیز بین دو نسل تفاوت چندانی وجود نداشت؛ هر دو گروه به این که زن و شوهر در هر شرایطی چه بیرون از خانه و چه در خانه باید سهم برابر داشته باشند، موافق بودند. در خصوص حفظ تعهد و پایداری نیز بیش از ۹۰٪ در هر دو نسل معتقد بودند که در هر شرایطی زن و شوهر باید به زندگی و رعایت اخلاق و دور ماندن از هوی و هوس متعهد باشند. در مورد فرزندآوری ۵۶/۵٪ مادران به ضرورت داشتن فرزند در زندگی زناشویی موافق بودند و ۵۴/۵٪ نسل دختران به ضرورت آن اعتقادی نداشتند. شکاف نگرشی در تمامی ابعاد مختلف ارزش ازدواج در دو نسل وجود دارد. به طور کلی نگرش دختران مدرن‌تر و مادران سنتی‌تر است. بیشترین اختلاف نگرشی به ترتیب در ابعاد پذیرش طلاق، رابطه‌ی قبل از ازدواج و سن مناسب ازدواج است و کمترین اختلاف نگرشی در ابعاد تعهد و پایداری و دایره‌ی انتخاب همسر است. گفتنی است در گروه مادران در ابعاد دایره‌ی انتخاب همسر، مقبولیت چندهمسری، توجه به رسوم و معیارهای انتخاب همسر مادرانی که نگرش غیر سنتی‌تری دارند بیشتر از مادران با نگرش سنتی هستند و در گروه دختران در بعد حفظ تعهد و پایداری دخترانی که نگرش سنتی‌تری داشتند بیشتر از دختران با نگرش مدرن‌تر بود.

با توجه به نتایج آزمون یومن ویتنی (جدول شماره‌ی ۲) با سطح معنی‌داری ۰/۰۴۶ ارزش ازدواج دو گروه متفاوت است. یا به عبارتی بین ارزش ازدواج، دو گروه مادر و دختر تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

جدول (۲) مقایسه‌ی متغیر ارزش ازدواج بین دو نسل از زنان ساکن شهر یاسوج

متغیر	گروه	یومن ویتنی	sig
ارزش‌های ازدواج	مادر	۱۷۶۹۵/۵۰۰	۰/۰۴۶
	دختر		

جدول شماره‌ی (۳)، نتایج آزمون فرضیات تحقیق و رابطه‌ی متغیرهای مستقل تحقیق را با ارزش ازدواج سنجیده است. بر اساس نتایج، استفاده از وسایل ارتباطی و ارزش ازدواج در زنان شهر یاسوج معنی‌دار است. به عبارتی هرچه میزان استفاده از وسایل ارتباطی کم باشد، ارزش ازدواج سنتی‌تر می‌شود.

ارتباط بین نحوه‌ی گذران اوقات فراغت و ارزش ازدواج در زنان شهر یاسوج نیز معنی‌دار است. به عبارتی هرچه نحوه گذران اوقات فراغت غیرسنتی باشد، نگرش به ارزش ازدواج غیرسنتی‌تر (مدرن) است.

ارتباط بین دینداری و ارزش ازدواج در زنان شهر یاسوج معنی‌دار است. به عبارتی هرچه دینداری بالاتر باشد، پای‌بندی به ارزش‌های سنتی ازدواج بیشتر است.

جدول (۳) رابطه‌ی متغیرهای مستقل تحقیق و ارزش ازدواج بین مادران و دختران

متغیر وابسته	متغیر مستقل	ضریب اسپیرمن	سطح معناداری
تفاوت نگرش مادران و دختران به ازدواج	استفاده از وسایل ارتباطی	۰/۱۵۹	۰/۰۰۱
	نحوه‌ی گذران اوقات فراغت	۰/۱۷۸	۰/۰۰۰
	دینداری	۰/۱۰۶	۰/۰۳۵
	اعتماد اجتماعی	۰/۱۷۶	۰/۰۰۰
	فردگرایی	۰/۱۵۴	۰/۰۰۲
	نگرش جنسیتی	۰/۱۵۵	۰/۰۰۲

بین اعتماد اجتماعی و ارزش ازدواج در زنان شهر یاسوج نیز ارتباط معنادار وجود دارد. یعنی هرچه میزان اعتماد اجتماعی بالا باشد، ارزش ازدواج در زنان شهر یاسوج سنتی‌تر است.

ارتباط بین میزان فردگرایی و ارزش ازدواج در زنان شهر یاسوج معنی‌دار است. به عبارتی با بالا بودن میزان فردگرایی، نگرش به ارزش ازدواج در زنان شهر یاسوج غیرسنتی می‌شود.

ارتباط بین نگرش جنسیتی و ارزش ازدواج در زنان شهر یاسوج معنی‌دار است. به عبارتی هرچه نگرش جنسیتی سنتی باشد ارزش ازدواج در زنان سنتی‌تر است.

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه‌ی حاضر تفاوت نسلی بین دختران و مادران در نگرش به ارزش‌های ازدواج و عوامل مؤثر در آن در شهر یاسوج را بررسی کرد. در این پژوهش، مشخص شد که نگرش به ازدواج و خانواده در نسل دوم بیشتر غیرسنتی است و برعکس این ارزش‌ها در مادران بیشتر سنتی است. همچنین نتایج نشان داد که بین متغیرهای چگونگی گذران اوقات فراغت، دینداری، اعتماد

اجتماعی، فردگرایی، میزان استفاده از وسایل ارتباطی و نگرش جنسیتی با ارزش ازدواج رابطه وجود دارد این نتایج با تحقیقات سرایی (۱۳۹۲)، نیک‌پرور (۱۳۹۰)، کاظمی (۱۳۸۹)، زارع و اصل روستا (۱۳۸۹)، عسکری ندوشن و همکاران (۱۳۸۸)، موحد و همکاران (۱۳۸۶)، سپهری و باقریان (۲۰۱۳) در ایران و کوییسومیگ و هالمن (۲۰۰۳)، کمپیل و رایت (۲۰۱۰)، شارما (۲۰۰۵)، امی پیک و هریس (۲۰۰۲)، اسمیت (۲۰۰۴)، لیچر و ریبر (۲۰۰۲) و لیشر و همکاران (۱۹۹۲) در کشورهای دیگر مشابهت دارد.

نتایج نشان می‌دهد، بین چگونگی گذران اوقات فراغت و ارزش ازدواج در دو نسل از زنان رابطه‌ی معنی‌دار و معکوس وجود دارد. به عبارتی، هرچه چگونگی گذران اوقات فراغت غیرسنتی باشد، نگرش به ارزش ازدواج مدرن‌تر است. در روند نوسازی و رشد تکنولوژی، زمان فراغت نسل حاضر بیش از نسل‌های پیشین است. با توجه به تفاوت روش‌های گذران اوقات فراغت از یکی دو دهه‌ی گذشته تاکنون، میان نسل مادران و نسل دختران از این نظر تفاوت‌های عدیده‌ای وجود دارد. نتایج به‌دست‌آمده با نتایج سرایی (۱۳۹۰)، سرایی (۱۳۹۲) و نظریه‌ی گیدنز همخوانی دارد.

۱۴۵

با توجه به آزمون یومن ویتنی درخصوص ارزش ازدواج بین دو گروه مادر و دختر تفاوت معنی‌داری وجود دارد. براساس نتایج، رابطه‌ی بین دینداری و ارزش ازدواج زنان بین دو گروه معنی‌دار و مثبت است. به عبارتی هرچه افراد تقید مذهبی بالاتری داشته باشند، پایبندی به ارزش‌های سنتی ازدواج نیز در آنها بیشتر است. دین برای جامعه‌ی بشری کارکردهایی دارد؛ از آنجاکه بر اساس اندیشه‌ی دورکیم انسان خصلت سیری‌ناپذیری دارد؛ نظارت خارجی و داخلی وی ضرورت می‌یابد، اما کنترل خارجی معمولاً تنظیم‌کننده‌ی مطلوبی نیست. بنابراین نیروی کنترلی در قالب نیازهای اخلاقی متجلی می‌شود (کوزر، ۱۳۶۹: ۱۹۱)، به‌طوری‌که وی وجدان جمعی را به عنوان نظام ارزشی غالب جامعه قلمداد می‌کند و مذهب را عامل مؤثر در توسعه‌ی ارزش‌های مشترک می‌داند. نتایج تحقیق با نتایج سرایی (۱۳۹۲) مشابهت دارد.

همچنین در این تحقیق، رابطه‌ی بین فردگرایی و ارزش ازدواج بین دو نسل از زنان بررسی شد. نتایج نشان داد که همبستگی بین این دو متغیر در دو گروه معنی‌دار و رابطه بین این دو متغیر معکوس است. به عبارتی هرچه میزان فردگرایی بالا باشد، نگرش به ارزش ازدواج در زنان شهر یاسوج غیرسنتی می‌شود. نتایج حاصل با نتایج سرایی (۱۳۹۲) همخوانی نداشت؛ شاید علت در تفاوت اجتماعی و فرهنگی در نمونه‌های بررسی شده، باشد.

نگرش جنسیتی و ارزش ازدواج نیز بین دو نسل از زنان معنی‌دار و رابطه‌ی بین این دو متغیر مستقیم است. به عبارتی هرچه نگرش جنسیتی سنتی باشد، ارزش ازدواج در زنان سنتی‌تر است.

با توجه به نگرش مادران و دختران به نگرش جنسیتی، می‌توان گفت نگرش دختران غیرسنتی‌تر از مادران است. تحول در موقعیت زنان به لحاظ تحصیلات، از جمله عواملی است که آنها را به پذیرفتن الگوهای سنتی هدایت می‌کند. بعد از انقلاب اسلامی و اتخاذ تدابیر برابری فرصت‌ها، زنان به تحصیلات ابتدایی و متوسطه اکتفا نکردند. به این ترتیب، زن دیگر محصور در خانه نبوده که منتظر یک ازدواج سنتی باشد. زنان خواستار حقوق برابر در همه‌ی زمینه‌های زندگی و جهان اجتماعی‌اند و با پافشاری بر گزینش فردی، آزادی بیشتری در گزینش همسر خود جست‌وجو می‌کنند.

براساس نتایج، تأثیر نوسازی و جهانی شدن و پیامدهای آن مثل گسترش استفاده از وسایل ارتباطی، کاهش اعتماد اجتماعی و فردگرایی روزافزون جوانان و افزایش آگاهی آنها، نگرش‌ها و ارزش‌ها و انتظارات نسل دختران نسبت به مادرانشان افزایش یافته است که این موجب تغییراتی در نگرش و رفتار افراد از جمله ازدواج شده است. اینترنت و استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی توانست افراد را با تجربه‌های زندگی در دیگر نقاط جهان مواجه کند. با گرایش‌های فردگرایانه نسل جوان دیگر چندان خود را در چارچوب هنجارهای گذشتگان تعریف نمی‌کند و به دنبال گروه‌های مرجع جدید و الگوهای جدید زندگی برای خود است. فرایند نوسازی و تجربه‌ی جهانی شدن نیز زمینه را برای حضور زنان در فعالیت‌های بیرون از خانه و اشتغال آنها و بهبود موقعیت ایشان در اجتماع و از بین رفتن مردسالاری و افزایش حقوق زنان فراهم کرد. در نتیجه، زنان بیشتر وقت خود را معطوف به تحصیلات و شغل خود کردند. این مسائل پیامدهایی از جمله بالا رفتن سن ازدواج یا به فکر ازدواج و تشکیل خانواده نبودن و کاهش مطلوبیت ازدواج را به دنبال داشت. از طرفی، با افزایش سطح تحصیلات و استقلال مالی قدرت تصمیم‌گیری آنها افزایش یافته و پذیرش طلاق برایشان آسان‌تر شده است. مجموعه‌ی این عوامل موجب مدرن‌تر شدن ارزش‌های ازدواج نسل دختران نسبت به مادرانشان شده است. البته در کنار تفاوت‌های نسلی در بیشتر ابعاد ازدواج، در برخی ابعاد آن نیز تشابهات نسلی مشاهده شد که می‌تواند به خاطر تأثیر فرایند جامعه‌پذیری والدین، تأثیر متقابل والدین و فرزندان و تأثیر جهانی شدن باشد؛ چرا که امروزه مادران هم خواه‌ناخواه در معرض وسایل ارتباطی و تغییرات نگرشی ناشی از ارتباطات قرار گرفته‌اند. تحلیل دقیق‌تر این موضوع مستلزم مطالعات بیشتری در این باره است.

در مجموع یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد، بعضی از ارزش‌های ازدواج تغییر کرده است و بعضی از تغییرات و تفاوت‌های نسلی نیز باعث شده است که ازدواج عقلانی‌تری رخ دهد و در بعضی ابعاد هم همچنان اهمیت خود را حفظ کرده و کمتر در معرض مدرن شدن قرار گرفته

است که تأثیر مذهب و دینداری را نباید در این زمینه نادیده گرفت. از نظر دورکیم، دین برای جامعه‌ی بشری کارکردهایی دارد. وی مذهب را عامل مؤثر در توسعه‌ی ارزش‌های مشترک می‌داند. بنابراین به نظر می‌رسد، می‌توان با رواج آموزه‌های دینی اهمیت ازدواج و تمایل جوانان برای تشکیل خانواده را همچنان حفظ کرد. همچنین طراحی و اجرای مطالعات و تحقیقات دقیق و عمیق برای چگونگی بازسازی و بهسازی سنت‌های مربوط به ازدواج و خانواده که نقش رسانه‌ها در این زمینه می‌تواند بسیار مهم باشد.

منابع

- ◀ آزاد ارمکی، تقی و غلامرضا غفاری، (۱۳۸۳). *جامعه‌شناسی نسلی در ایران*، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- ◀ اینگلهارت، رونالد و پل آبرامسون، (۱۳۸۵). «امنیت اقتصادی و دگرگونی ارزشی»، ترجمه‌ی شهناز شفیع‌خانی. *نامه پژوهش*، ش ۱۵-۱۴.
- ◀ اینگلهارت، رونالد، (۱۳۸۳). *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، ترجمه‌ی مریم وتر، تهران: کویر.
- ◀ بیرو، آلن، (۱۳۸۰). *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه‌ی باقر ساروخانی. تهران: کیهان.
- ◀ چیت‌ساز قمی، محمدجواد، (۱۳۸۶). «بازشناسی مفاهیم نسل و شکاف نسلی»، *جوانان و مناسبات نسلی*، ش ۱.
- ◀ حیدرآبادی، ابوالقاسم، (۱۳۸۹). «اعتماد اجتماعی و عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر آن (مطالعه موردی جوانان ۲۰ تا ۲۹ ساله استان مازندران)»، *جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*، سال اول، دوره ۱، ش ۱.
- ◀ خواجه‌نوری، بیژن، (۱۳۸۸). «رسانه‌های جمعی و نگرش جنسیتی: مقایسه فناوری‌های گذشته و حال»، *خردنامه همشهری*، ش ۳۹.
- ◀ خالقی فر، مجید (۱۳۸۱). *بررسی ارزش‌های مادی و فرامادی دانشجویان دانشگاه‌های تهران*، عوامل مؤثر بر آن و رابطه آن با برخی از نشانگان فرهنگی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- ◀ دلخوش، محمدتقی، (۱۳۹۲). «بازخورد جوانان ایرانی به ازدواج: یافته‌های یک پیمایش ملی»، *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، دوره ۹، ش ۳۶.
- ◀ رازقی نصرآباد، حجیه بی‌بی و لیلا فلاح نژاد، (۱۳۹۶). «تفاوت‌های نسلی ارزش ازدواج (مورد مطالعه شهر هشتگرد)»، *مطالعات راهبردی زنان*، دوره ۹، ش ۷۵.
- ◀ ریتزر، جرج، (۱۳۷۳). *نظریه‌ی جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: علمی.

- ◀ زارع، بیژن و ابوالفضل اصل روستا، (۱۳۸۹). «بررسی ارزش‌های اجتماعی دو نسل والدین و فرزندان درباره معیارهای انتخاب همسر در شهر هشتگرد»، *مسائل اجتماعی ایران*، سال اول، ش ۱.
- ◀ ساروخانی، باقر، (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی ارتباطات*، تهران: اطلاعات.
- ◀ سرایی، حسن، (۱۳۸۵). «تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران»، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ش ۵۴.
- ◀ سرایی، حسن و سجاد اوجاقلو، (۱۳۹۲). «مطالعه نسلی تغییر ارزش ازدواج در ایران مطالعه موردی: زنان شهر زنجان»، *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال ۵، ش ۴.
- ◀ شیخی، محمدتقی، (۱۳۸۲). *جامعه‌شناسی زنان و خانواده*، تهران: شرکت سهامی.
- ◀ عباسی شوازی، محمد جلال و رسول صادقی، (۱۳۸۴). «قومیت و الگوهای ازدواج در ایران». *پژوهش زنان*، مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران، دوره سوم، ش ۱.
- ◀ عسکری ندوشن، عباس، محمدجلال عباسی شوازی محمدجلال و رسول صادقی، (۱۳۸۸). «مادران، دختران و ازدواج (تفاوت‌های نسلی در ایده‌ها و نگرش‌های ازدواج در شهر یزد)»، *مطالعات راهبردی زنان*، دوره ۱۱، ش ۴۴.
- ◀ کاظمی، زهرا، (۱۳۸۹). «بررسی تاثیر آرمان‌گرایی توسعه‌ای بر شکاف بین نگرش‌های دختران و مادران آنها نسبت به ازدواج و خانواده»، *خانواده‌پژوهی*، ش ۲۳.
- ◀ کاظمی، عباس و مهدی فرجی، (۱۳۸۵). «بررسی رابطه استفاده از اینترنت و ماهواره با وضعیت دینداری دانش‌آموزان و دانشجویان»، *مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های صداوسیما*.
- ◀ کوزر، لوئیس، (۱۳۶۹). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ نهم، تهران: انتشارات علمی.
- ◀ گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۹). *جامعه‌شناسی*، ترجمه‌ی مریم صبوری، تهران: نشر نی.
- ◀ لاور، رابرت، (۱۳۷۳). *دیدگاه‌هایی درباره‌ی دگرگونی اجتماعی*، ترجمه‌ی کاووس سیدامامی، تهران: نشر دانشگاهی.
- ◀ مهاجرانی، علی اصغر، (۱۳۸۹). «تحول وضع زناشویی و تغییر الگوی سنتی ازدواج»، *فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر*، دوره ۴، ش ۱۱.
- ◀ موحد، مجید، علی اصغر مقدس و محمدتقی عباسی شوازی، (۱۳۸۶). «جوانان، خانواده و جامعه‌پذیری»، *مطالعات جوانان*، ش ۸ و ۹.
- ◀ میرسندسی، سیده‌محمد و مصطفی محمدی قلعه سفیدی، (۱۳۹۰). «بررسی رابطه تحصیلات زنان با افزایش سن ازدواج آنها و راهکارهای پیشگیری از آن با تاکید بر رویکرد اسلامی»، *زنان و خانواده*، سال ۶، ش ۱۷.
- ◀ نیک پرور، فاطمه، لیلی پناغی و علی مظاهری، (۱۳۹۰). «تغییر ملاک‌های ازدواج در سه نسل: ارائه یک مدل زمینه‌ای مقدماتی»، *خانواده‌پژوهی*، سال ۷، ش ۲۶.

◀ یوسفی، نریمان، (۱۳۸۳). شکاف بین نسل‌ها بررسی تجربی و نظری، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.

- ▶ Campbell, K., & D, Wright, (2010). "Marriage today: Exploring the incongruence between Americans' beliefs and practices". *Journal of Comparative Family Studies*, 41(3).
- ▶ Chow, N. & Lum, (2008). " Trends in family attitudes & values in Hong Kong". Final Report Submitted, The University of Hong Kong (2008).
- ▶ Han, J, Y Chang, (2009). "The Value of Singapore's Youth and Their Parents: A case Challenging the Adequacy of Inglehart's Interpretation of Top Value Priorities Derived from World Values Surveys", *journal of Psychology*.
- ▶ Perveen, K. N Usman, & R Aftab, (2013). "Interaction Pattern and Generation Gap between Offspring and Parents". *Interdisciplinary urnalof contemporary research in business*, vol.5, no 1.
- ▶ Quismbing, A. R, & K. Hallman, (2003). *Marriage in transition: Evidence on age, education and assets from six developing countries*. New York: Population Council.
- ▶ Sepehri, S & F, Bagherian, (2013). "Generation and gender differences in mate selection", *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 84.
- ▶ Sharma, N. S Vaid, & A, Kesar, (2005) "Intergenerational Differences in the Concept of Marriage Among Dogra Brahmin Females (Mothers and Daughters)". *Anthropologist*, 7(4).
- ▶ Smith, T , (2004). "The Generation Gap Revisited. Macarthur Foundation Reserch Network on Transitions to Adulthood and public policy university of Pennsylvania", *Department of sociology 3718 Locust walk*. Philadelphia, PA 19104-6299, Issue 6
- ▶ - Triandis, Harry C. (1998). Individualism and collectivism (Theoretical and Methodological Approach), Sage publication.